بررسی احادیث تشبه
از دیدگاه مجلسی اول

حجة الإسلام والمسلمین محمدعلی مهدویزاد / استادیار دانشگاه تهران، پرده‌بان
محمد هادی امین ناجی / دانشجوی دکتری دانشگاه قم

چکیده

تقبیه، موضوعی است که در آیات قرآن و سنن معصومان (ع) ریشه دارد و در فهم محتویات و هدف کلام ائمه معصومین (ع) مؤثر است.

محمدتقی مجلسی، ضرورت تقبیه را افزون بر ادای قرآن و حديث، به اطلاع قاعده حکم‌های مسلمان نیز اثبات نموده است. این تنبیه و اثبات او، تنها یکی از احادیث مشتمل بر هدف اثبات صادقانه است و تنها تقدیم.

وی در جر تقدم و مردم را در تقدیم مؤثر و آن را به نقطه‌های سنی و محتوایی، قابل تشخیص می‌داند و در تشخیص سنی به فواره جوان انگیز حديث به امام پیشین و حضرت راوه علی امام می‌گذارد. مجلسی شناخته‌های محتوایی را در قالب مواردی نظر نمایه حديث با خبر مشاوه، اضطراب و تشوش می‌شناسد و وجود قرار داد بر مشابهات با روایات عامة مبتکر کرده است.

او در بحث عبید بی‌پیجه، شرط اضطراب و مقتضیات مخاطب را مورد تأکید قرار داده است.

کلیدواژه‌ها

محمدتقی مجلسی، تقبیه، اثبات، علوم فقهی، احادیث، محتوایی، حديث.
مقدمه

تقیه از جمله موضوعات مهم فقهی، اجتماعی و سیاسی مطرح از سوی فقهای، مفسران و محدثین فقیرین است. این موضوع بر خلاف نظر برجی از عالی کنادان، ریه یا برجی آنان را پذیرفته‌اند. برجی از عالی‌گونه‌ای که اندیج را تأکید کرده‌اند که این موضوع توسط این منجر به مشکلاتی بوده است که به هر جا اظهار عقیده باشد. از آنجا که منطقه‌ای مایهِ کندن موجود است (مکارم شیرازی، 1375، ج1، ص251).

چنان‌که اشاره شد، این موضوع در جهان اسلام و در دیدگاه عالی‌گونه تمام فرق‌های اسلامی، مجال بحث دارد. (صرفی، 1381/1416 ق) اما در این مقاله، موضوع تقیه و محدوده تأثیر آن در فهم روایات از دیدگاه مولا محمدتمی مکمل مطرح می‌شود.

واضح‌سازی تقیه

لغت تقیه از ریشه‌ای اوقی قیص به معنای مستور ساختن و نقشه مقابل آن اضاءه‌ای (مجلسي، 1410 ق، ج16، ص40) به معنای آشکار کردن است.

وقی و نفوذ اوقی از اوقی در ساخته‌ای اول به طور نیاز به این و در صرف واژگان نفی و تقیه و تقیه و نقشه باقی مانده است (فراضی، 1410 ق، ج5، ص123).

واژه‌ای اوقی و نفوذ اوقی، به معنای حذف و خودداری کردن و تقیه نیز به این معنا است که جمعی برای حفظ و پاسداشت یکدیگر، اظهار صلح و وفاق کندند، در حالی که در درون، مخالف آنان (ابن منظور، 1414 ق، ج15، ص401).

تکیه در اصطلاح فقهی

فقه‌ای عظام برای تکیه، تعیین مختلفی ارائه کرده‌اند: از جمله شهید اول که تکیه

رآ وی خوش داشتن بر مردم در باورهای ایشان برای امیت جانی، و نیز اخلاق و سه
بروسی احاطد تقه از دیدگاه مجلسی اول

آنچه بدان باور ندارند، براو دوی از جار و جنجال‌هایان» (شهید اول، بی‌تا، ج۲، ص۱۵۵) می‌دند.
پس چون تقه آمری است که کتمن حقيقت، احتمال ضرر دینی یا دنبالی و اظهار
زبایی با مخالفت درونی را همراه داشته باشد، آن را این‌گونه تعیین می‌کنیم:
تقه، گفتار و رفتاری بر خلاف اعتقاد و باور حق مؤمنان است که برای حفظ
دین و دنبای خود انجامش می‌دهند.
تقه در قرآن
در آیات قرآن کریم، به موضوع تقه به طور مستقیم و غیر مستقیم، اشاره شده
است، برخی از آن آیات عبارات آن:
۱. «لا یَجْعَلَ مَعْلُومَةَ الْكَافِرِينَ أَكَافِيرَةً مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَ لَن يَلْعَبَنَّهَا مَدِينَتَهَا وَ إِلَى اللهِ الْغَفُورُ رَحِيمًا» (آل‌ عمران: ۲۸):
شاهدی ادعا در آیات آیه، استنادی اما این‌گونه می‌خواهند، زیرا عالمان مسلمان،
جمله استنادی را داد بر تقه دانستند.
على بن ابراهیم قبیل اوده است: «ابن آیه، اذن است که ظاهرش بر خلاف
باطن آن است و بر طبق ظاهرش عمل می‌شود و نه بر اساس باتن مگر هنگام تقه،
زیرا تقه اجازه است به مؤمن تا وقتی کافر را می‌پندارند، مانند از نماز و روزه به
پایدار است در واقع به ظاهر تقه می‌کنند، ولی در درون، بر خلاف آن، به دین
خودست» (قمی، ۱۳۷، ج۱، ص۱۰۰).
محمد تقی مجلسی نیز در تفسیر این آیه معناد این است که از قرآن مجدی، برای
سبب خدا و رسول رخصت تقه داده شده است» (مجلسی، ۱۳۷، ج۶، ص۱۵۸).
۲. «۱۰۷: از آن یک‌تاقه به آمار، ای‌امان، ای‌امان با کلمه‌ی منظوم و بالغ‌السیاسه،
باددکن به نیش حکم، و نیش حکم به نیش حکم» (انقلال: ۱۰۷)。

۱. مؤمنان نبی‌داد کافران را به جای مؤمنان به دوستی بگیرند و هر چیز به کنن. در هیچ چیز او را
از آدمیان اخیر آهوره نبیست، مگر اینکه از آن بی‌نویع تقه کند و خداوند، شما را از [عقوبت]
خود مترساند، و بازگشت (هیچ) به سوی خداوند.
۲. در ملز روابی شیعه هر گاه صحیف ظرف کافر به میان مراز، احتمال داره مراد، غیر مسلمان، و یا غیر شیعه باشد.
عبارت«علیّ از آنکه واقعیت مثلثی پایه‌ای‌ان» مورد استناد برای صحت و جواز تقيه است.

طبیعی (نیک، ج. ۱۴، ص. ۱۲۲). شاید نظر این آیه را عمار بن ابی دانیال است.

عبایش نیز به تقلیل از امام صادق(ع) بود و شاید نظر آیه را عمار بن ابی دانیال و

می‌گوید: بله جدا قسم، می‌نمم از تقيه مذکوراً و به جدا سوگند، می‌دانست که

آیه این‌الآن واقعیت مثلثی پایه‌ای‌ان در حق عمار و پارانش نازل شده است.

(۱۳۸۰) (نیک، ج. ۱۴۷۱ (خاغر: ۲۸)

3. «و قأل رجل مؤمن م اکثرین» که انقلاب ریزی ان یک تری رئیس الله و قد»

جانا که بالاییان من رئیس (خاغر: ۲۸)

این آیه و آیات پیشین آن، به قضایای بین‌الاستر و مؤمن آل فروع اختصاص

دارد و عبارت «یک تری» انقلابی برای انات جواز تقيه در قرار را کار می‌رود.

مفسران در تفسیر این آیه، کسی‌کسی مؤمن آل فروع را مورد حبیب قرار داده‌اند. اما

انچه در این مقاله اهمیت دارد، گزارش قرار از شرایط ایمان و احوال است. زیرا

مؤمن آل فروع، با آنکه در داری قرار، از مقربان و صاحب شن و مقام بوده، به

خداوند واحد ایمان داشت و آن را از فروع مخفی می‌کرد.

مفسران، کنمان ایمان مؤمن آل فروع را از باب تقيه و آن را مجاز دانستند.

- عبداللهم خطیب، مفسر معاصر می‌نویسد: «مخزی کردن ایمان بر این مورد به

علت ضعف یا ترس نبود » از سر سیاست حکیم‌ان و تدبیری محض بود. (بی‌نام

ج ۱۴۷۱) (۱۳۸۰)

- علامه طباطبایی نیز معتقد است: «مؤمن آل فروع، مؤمنی قطبی و از

خصوصاً فروع بود هک فروعیان از ایمان او بی‌خبر بودند و آن هم از باب تقيه بوده

است.» (۱۳۸۰) (۱۳۷۴، ج. ۱۷، ص. ۳۲۸)

نتیجه تأمل در این آیات قرار عبارت است از:

1. تقيه، موضوعی عقلانی است که هنگام قدیماً دشمن و مخاطرآمیز بودن

وضعی مسلمانان مورد تأیید قرار کرده است.

2. علاوه بر مسلمانان، پیروان سایر ادیان نیز تقيه کرده‌اند.
حرف حرمت مسلمان و ضرورت تقيه از دیدگاه مجلسی

عالمان مسلمان برای اثبات ضرورت تقيه، دلایلی از آیات قرآن سنتر، عقل و اجماع (عمیمی 1417، ص 92) مطرح کرده‌اند. اما علاوه بر مجلسی افروز ان در این موارد، مومن را در پیشگاه خدای تعالی عزیز می‌داند و در صورت احتمال ضرر، انجام پردازی‌های کاری را جای نمی‌داند. (مجلسی، 1414/13، ص 131)

نفع تقيه و اتقا

مجلسی بین دو اصطلاح تقيه و اتقا تاکنون گرفتار شده است. زیرا این اوقات ناظر به اتقا تنبید نه به تقيه، اما بیشتر اصحاب، میان این دو رفاوت نگذاشته‌اند. و همچنین، روایات بر این‌آنها مشکل شده است. (همو، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۲۰۲)

تبقى به معنای رعايت احیاط برای حفظ جان و مال خود و اتقا بهعنوان رعایت احیاط برای محافظت از جان و مال دیگران است. مجلسی، مصداقی تقيه و اتقا را به شرح زیر بیان می‌کنند:

الف. اتقا و مصادیق آن میان آثار مخصوص (ع)

۱. پاسخ به نامها اتمام سرگذشت کننده برای حفظ جان باران خوشی، جانب احیاط را رعایت می‌کنند. یکی از نمونه‌های قابل توجه، سوال از موضوع سجده است:

"عَریضَهُ بِخَلَقْتُ اَن حضورت صلوات الله علیه وآیه گردیده بر پنجه و کتاب یب‌آنکه پای تقيه و ضرورتی در کار نباشد. پرسیدم. حضرت فردرندان، جایز است." (همو، ج ۳، ص ۴۴۹)

مجلسی در شرح این وضیفه در موضوع ضرورت احیاط و اتقا می‌نویسد: «سبار است که در وقت جواب، تیپه نیست و حضورات انگه‌های صلوات الله علیهم، رعایت حال ایشان می‌فرانند که به ایشان ضرور ترسند» (همو، ج ۳، ص ۴۴۹)

۲. سوال از اوقات نمای

موضوع زمان برابرشتین نمای صحیح و مغرب از جمله موضوعات اختلافی میان مسلمانان است. علاوه بر این، اهل سنت به بهانه زمان اقامت نمای، شیعیان را آزار
3- ازدواج موقت
علائم ملیسی بر خلاف نظر برخی از دانشمندان که متعه را به بهانه برخی از مباحث روابط، از جمله چهار ازدواج دایمی قرار داده‌اند و آن را از پیش قیمه‌شموه، می‌گوید: "موضوع در حضور شیعه، مطرح شد و من فکرت منظور عالمان از تقهیه، انقا است و البته سخن من را تأیید کرد" (همانجا)

ب. تقهیه و مصداق برای آن
افطاری یوم الشک از جمله موارد درازای اهمیت سیاسی برای حاکمان مسلمان بوده است و همراهی شیعین با وقت رسمن اعلام شده از سوی خلفه، بر نوعی پذیرش نظام حاکم دلانت داشت، لذا امام صادق ع با لحاظ این حساسیت، برای تحريض شیعه به تقهیه، خود نیز روزه یوم الشک را افطاری می‌کردند. برای جلوگیری شیعه از سهال انگاری در موضوع تقهیه، می‌فرمودند: "روزه یک روز از ماه رمضان را خوردن، بهتر از قتل معصومی است که عالی به وجود ولی باست" (همانجا، ص. 451) پس موضوع تقهیه در خصوص حفظ خود گریخته. ولی انتقا درباره حفظ جان دیگران است، بنابراین لازم است هنگام ملاحظه احادیث امامان علی، بین تقهیه و انتقا تفاوت گذشته شود تا موجب خطای در فهم نگرد.

درجات مردم و تقهیه
تقهیه در میان اقشار مختلف مردم، جایگاه و نسبت یکسانی ندارد، بلکه به تعداد، فهم و آگاهی آنها از معارف دیگر متفاوت است. برای نمونه، قبلا و عالمان شیعی می‌دانند که شهدات سوم در آذان از ارکان آذان‌نامه، و ذکر آن را به نتیجه قبیل دانسته‌اند. ولی جوان در میان مردم رواج بافت انتقا است و اکثر کسی آن را تک یمابد، می‌ته می‌تنن می‌شورد، لازم است در هنگام آذان گفتگه شود.
بررسی احادیث تقلیه از دیدگاه مجلسی اوول

مجلسی با علم به این موضوع، ضمن رعایت شرایط مذهبی و اجتماعی، تصمیم دارد که پس از رعایت نص در اذان می‌نویسد: «اگر تقویه بهتر است مگر از روی تقلیه چون در این بلاد صادق است و بسیار شنیده‌ایم که جمعی ترک کردند و متهم به تنن شدند.» (هیامان ج، ص ۵۶۷ پس درجات علمی مخاطبان در عمل به یک حکم توسعه دیگری از مordo، تأثیرگذار است.

نشانه‌های تقلیه در حديث

مجلسی برای شناخت احادیث مشتمل بر تقلیه، گاهی به سنده و گاهی به سنده آنها اعتنای نموده و برای هریک، نشانه‌ها و نمونه‌های را به شرح زیر ارائه کرده است:

۱. نشانه‌های تقلیه در سنده

انساب حديث به امام قبلی و حضور راویان علیه یا ضعیف در سنده احادیث، از راهی احادیث احادیث تقلیه‌ای بر اساس سنده است.

۱-۱. انساب حديث به امام پیش از خود

کلام امامان ع موجب هدایت است و از منبعی واحد سرچشمه گرفته است:

حال اگر کلامی از امام ع روح کلی احادیث آنان متفاوت بوده و به امام پیشین مستنب شده باشد، حاکی از تقلیه است.

امام صادق ع در موضوع سهم امام و حسین که به پدرشان نسبت داده‌اند، در حديثی چنین فرموده‌اند:

بادرم علیه السلام این گونه‌ها می‌فرمود و برای ما در این مال جز در سهم چیزی نیست، سهم رسول (ص) و سهم خویشاوندان پس ما شریک مردم در باقیمانده هستیم.» (همو، ص۱۴۱، ج.۳، ص۱۳۷)

مجلسی پس از این حدیث بالا نوشته است: ظاهراً ورد این حکم به دلیل قربن انساب به پدر امام ع حاکی از تقلیه است.» (هیامان ج)

۱-۲. حضور راوی علیه مذهب در سلسله سنده

عالمان متاخر شیعی یکی از شرایط صحبت خیر را اساساً بدون همه راواینان
دو فصله در حیدریه، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان 1388

دانسته، به افراد عالمی مذهبی با نگاه نقادانه می‌گرند. غیبت یاد ابراهیم از راویان دو روایت است که در خصوص شهادت زنان امام علی بن ابی‌طالب (ع) تقل شده و هر دو راوی شیوه‌های مختلفی از آنها چنین است:

۱. از غیطش ابراهیم، از جعفر بن محمد، از یاوری، از علمی)، گزارش شده است. "گواهی زنان در حدود و قصاص جایز نیست": مجسمه‌های دو حذف شده تا به دلیل قریب‌های عاری از مذهب، دال بر توجه دانسته و تنیب‌های می‌گیرد که به علم حضرت راویان عمام، سخن امام(ع) به شکل استخفا انتخابی بیان شده است.

۲. نشانه‌های تکیه در متن و محتوای حديث

علی‌الاکرم شیعی در بررسی موضوع تکیه در کلام امام(ع)، ضمن توجه به ابعاد سندي، به نشانه‌های متنی و محتوایی توجه برخی از مصاحبه‌ها می‌کند. برخی از مصاحبه‌های محتوایی در آثار مجلسی عبارت‌اند از:

۲.۱. امر به سکوت

در برخی احادیث مشاهده می‌شود که علامت (ع) دستور وقوع و زنگین زنگین از سخن گفتن برخی که یا چنین می‌دانند، بازوگ نکن. مجلسی در شرح این سخن (ع) (علی‌الاکرم) بله! این تلقی کلی آمده. "یک‌پنجم، برخی از بیانی‌ها چنین می‌گفته، با علت اینکه غیر از معصوم(ع) به حق و حقیقت آگاهی ندارند، پس سکوت در بیانی‌ها بی‌پرده است". (مجسمی، 1410، ص 528)

۲.۲. قیاس در حديث

یکی از منابع فقه اهل سنت، قیاس است که اهل بیت(ع) به شدت با آن مخالفت کردند و از جمله کارهایی دانسته که توسط اجتماع اقداس اسلام کرده است. حديث زیر از جمله مواردی است که به علت شیوه‌بندی اهل سنت، تحقیق به حساب آمده. پژوهش‌های نمی‌شود. در روایتی وارد شده است که "کافرون را در دهان و گوش‌ها و صد و سر و ریش مرده بریز و بمال و همچنین مشک را بر سبیله و فرح اور بریز و
بررسی احادیث تلقی از دیدگاه مجلسی اول

مواد و زن در این کار مساویاند ... و اظهار آن است که این امر را حمل بر تلقی کنند.

زیرا که عالم به این‌انه که چنین می‌پاید کرد، جون کافی‌وار، اغضا را به هم می‌آورد.

ابن این است که در اینجا با خود دانست، بنا بر چشمان تاریکی نابود نیست و این علم

است، زیرا قطع به معاوضه دیگر، باطل است و مع الفارق، زیرا که علت احکام مخفی است.

(همان، چ2، ص20، 1376ه)

3-2- تعارض حدث با آیه محکم یا خبر متواتر

وجود اخبار متناقض و تلاش برای برطرف کردن آنها، کاری پیچیده و طرفین

است، علماً مجلسی به عون شرح حدث، تلقی نماید که یکی از راهحل‌ها دانسته،

معتقد است که این اخبار باید با احادیث مطابق و محکم در تعارض نباشند (البته او

تلقی را حتی در بخشی از احادیث که به مرز متواتر هم رسیده باشد، نمی‌کند) برای

نمونه درباره سه‌مین، پس از طرح مطالب شیخ صدوق مینویسد: «هر چند مسهو در

حادیث بسیار واقع شده است، لیکان نیچه به ما رسیده به مرتبه متواتر نرسیده است و بر

تقدیر متواتر، ممکن است که محصول بر تلقی باشد با آنکه حديث معارض نیز دارد»

(همان، ص4، ص3) یا در شرح حدث متواتر غفلت زیرا مینویسد: «از غفلت

زیرا سؤال کردن که آیا زیارت غسلم دارد؟ فرمودند که نه و محصول است بر تلقی یا

نیف و جوی تخت چون غسل زیرا متواتر است.» (همان، ص9، ص۵۴)

همچنین این درباره حدث مخالف با قرار درباره سه‌مین خمس نوشته است: «در

اینجا سهم پیامبر اسلام (ص) ذکر شده و ظاهر این است که به علت تلقی است»

(همان، ص117 و در ادامه مینویسد: «فؤاد تلقی است زیرا هنگامی که

پیامبر (ص) سهم خدا را دریافت می‌کند، چگونه است که سهم خوشی را نمی‌گیرد؟»

(همان، ج1)

۲-۲- ایهام در حدث

ست، مفسر قرآن و در پی تبیین نکات دقيق معنی الهی و احکام عملی و در

نتیجه، لازم است واضحی و صریح باشد و پایین زیر ابزار در کلام اهل بیت (ع)

عالمانه در پی رفع کوتاه‌ها و گردهای معنی‌آل این یارای.
۲-۴. کلی‌گویی در حديث
سخن که امکان برداشته‌ای مختلف را داشته باشید، کلامی مهم است. مجلسی در شرح حديثی که از امام رضا(ع) در دبیرگاه پاشیدن دارو در چشمه روی‌بازند، و ایشان فرمودند: «هر گاه افسانه کند، دارو را پاشید.» (همو، ۱۳۶۷، ج.۶، ص ۳۷۰) می‌نویسد: اعماه در مرض و سفر روزه می‌گیرند. اگر این سوال‌ها از آن حضرت در خواصان می‌شد و همیشه مجلس آن حضرت پر بود از علماء اهل سنت. حضرت به عنوان جواب می‌گوید: به سیمان موافق مذهب خود و شبینی موافق مذهب ائمه هدی صلوت الله علیهمهم. (همان، ج.۳، ص ۳۷۱)
پس امام(ع) به گونه‌ای باشید داده‌نده که مخاطب شیعه و سنی مناسب با عقیده خود برداشت نماید. یعنی شیعه که در مرض و سفر مفطر است، می‌تواند همان زمان دارو را در چشمه پاشید و سنی که در بیماری و سفر صائم است، پس از غروب دارو را استعمال نماید.

۲-۴. دیدگاه‌های مختلف
ذكر دیدگاه‌های مختلف درباره موضوع مورد بحث، حاکی از نوعی ابهام و عدم صراحت در کلام امام(ع) و به باور مجلسی، چنان حالتی نشانگان آن است که امکان بیان نظر صحیح برای امام(ع) وجود نداشته است. لذا گویی‌های نظر خود را در کنار نظرات دیگران مطرح کرده و این نشانه‌نیز است.
امام صادق(ع) فرمودند: «مقدار قری نا استخوان گردن (ترقیه) است و برخی از آنان (اهل سنن) گفتند.» باشند و برخی دیگر گفتند به انداده قد مورد است. انتقال یافته جایی که لباس را بر سر مرده بکشند و اما لحاظ را به اندازه نشستن در آن بزنگ می‌کنند. (همان، ج.۲، ص ۴۰۳)
مجلسی در ادامه، در شرح این حديث می‌نویسد: این نحو کلام، وقتی از ایشان
موادی که سنی حاضر باشد جنگ‌که، اوکتد مجموعه کنیکش، به بناتی نشینیدن حدیث در مجلس ایشان بوده‌اند (همان، ج. 2، ص. 104).

۲-۳. بر زبان آوردن سخن دو پهلو
برخی از مواقع، متکلم در سخن خود با آوردن ضمیر، به نحوی سخن می‌گوید که در عین آنکه امکان ارجاع ضمیر به زندیکترين مرجع هست. می‌توان آن را به مراجع دیگر پیشین نیز بازگرداند، البته بر عقیده مجلسی، اقتضاً ثبیت آن است که به عبارت‌های دو وجه سخن گفته شود. (همان، ج. 1، ص. 65)

شروح این سخن و کلام مخصوص‌ی این بشرح زیر در مورد نصاب زکات شستر و گونه‌ی این است، زیرا نصاب شش هکتاری که از میزان معیین می‌گذرد، وضعیت تغییر کرده و به دندان‌های شتر ارجاع می‌شود. حال سوال این است که آیا این ارجاع شترهای جذوع و بنت لبون و حقه را؟

امام(ع) به گونه‌ای سخن گفتند که هم‌سهوی دسته شتر را در پر وسمی‌گردی و این مقتضی‌ت قیبی است: اوقات به ۱۵۰ شتر رسید، زکات آن دو شتر حقه طوره‌ی الفحل و اگر بیش از ۲۰۰ امام (ع) در هر ۵۰ شتر، یک حقه و در هر ۴۰ شتر، یک بنت لبون است، سپس به دندان‌های شتر ارجاع داده می‌شود. (همان، ج. 4)

مملکی می‌نویسد: «سخن امام(ع) (نم ترجمه کرده‌اند) مطلب قیبی است، زیرا ظاهر که نصاب به مذهب برخی گمانه‌ای به پاگوتی. اگرچه می‌توان آن را بر بنت لبون و حقه را بازگرداند، البته جذوع بالا‌تر نرمال و همین همداراب را اماکن است، مقتضی‌ت قیبی. سخن، گفته جنده و جهه است» (همان، ص. ۶۵).

۵- اضطراب و تشوش متن
کلام اهل پیت‌ع همراه با صلابت، استواری و هماهنگی است ولی اگر در سخن یا سخنان مسنجاب به آنان، مفاهیم حاکی از پرشیانی و اضطراب، دیده شود، لازم است به وجه شایسته نییز گردد. به همین دلیل، علامه مجلسی کلامی را که دارای اضطراب و تشوش باشد، نمادی از نقه دانسته است. وی نقل می‌کند:

از دو امام همام، امام باقر و صادق(ع) سؤال می‌شود که ما لباس‌هایی را از غیر
مسلمانان خریداری مکی‌کیم چه بافتندان آن‌ها، هنگام پافتن و دوختن شراب نوشیده‌
یا گوشت خوردن‌ها و دست آنان به چین (نخستیه) آلوده بوده و ممکن است
به وسیله بافتندگی و دوزندگی و کالاه‌ها نزرسیده باشد. اما قبل از عشت‌تشیو چنین
کالاه‌ها یا آن‌ها نماز یا یاریم یا نه؟
امام(ع) می‌فرماید: "به اشکالی ندارد، زیرا خدای تعالی، خوردن و آشامیدن آن‌ها
را حرام کرده است، ولی پوشیدن، دست زدن و نماز گزاردن در آن را حرام نکرده
است." (همان، ج.۳، ص.۲۲۳)

علائم محققی در شرح این حدیث معقده است که ظاهرش با حدیث صحیح
دیگر که دلالت بر نجاست دوختن‌دن خوردن دارد. در تعارض است. در نتیجه، این
حدودی را دلار، عدم آگاهی به‌هده و نصرای نسبت به نجاست خورک و شراب
دانسته، زیرا آنان همیشه با خورک و شراب مرتبانند و آخر حدیث را به معنای عادم
من اقامت نماز در جنات السبکی دانسته است. نکته دیگری اینکه بیشتر عامل گوشت و
چربی خورک را یاک می‌دانند و این موضوع، خود موجب تلقیه است. بنابراین، متن
حدیث مشوش شده است. (همان، ج.۳۲۴)

پس احادیثی که متن آن‌ها مشوش، هم‌مانگ با عقاید عالیه و در تعارض با
احادیث صحیح ویگر باشد، مضطرب بوده، از باب تلقیه وارد شده است.

۲۲- حدیث دارای استفهام انکاری
هر گاه لحن متکلم از استفهام انکاری حکایت کند، محتمل است که پاسخ سوال را
بنداند ولی چون با دیدگاه‌های ماه‌گاه نیست و مصالحی وجود دارد، طلب را به شکل
استفهام انکاری بپردازد. مصادر زیر حاکی از استفهام انکاری و نشانه تلقیه است.

۲۲-۱ کتیبهای نیکه‌گانه بر پیکر ابراهیم
مجلسی، حدیث ذکر یک نیکه بر جنگه ابراهیم، فرزند پیامبر اکرم(ص) را که از
امام محمد باقر(ع) نقل شده است، غرب و به‌هی به فرض صحبت و دارای استفهام انکاری
دانسته و نوشته است: امکان است که تلقیت فروده باشد، به عنوان
استفهام انکاری، یعنی شما سببی می‌گوید. و غلط است و این نحو از تلقیه،
بسیار است." (همان، ج.۳، ص.۳۷۵)
در احادیث نیز مشاهده می‌شود که طوری که در تفاسیر نیست، شیعه است. می‌توان به نسبت‌های مذهبی بیان شد. فرد تفاسیر کنده معمولاً خود را با وضعیت متغیر و غیبت و روشنای مذهبی شویش همراه می‌سازد تا جان و مالش از خطر در آن بماند. پس هر فرد شیعه هگام تفاسیرها با مبناها مذهبی عامل می‌کند. بنابراین، یکی از ملاحظاتی تشخیص تفاسیر در حدیث، وجود شیوه‌های احکام و فتاوای اهل سنت است. زیرا با وجود چنین قرائتی، احتمال تفاسیر تقویت می‌شود، مانند:

۲-۱۸ ضبط نمای مرجع، روحیه زن

اقامه نمای مرجع، کنار زن یکی از موارد اختلاف ای است. در این باره، چنین اشاره می‌کند: "... باکی نیست که زن نمای مرجع کنند به دست کنیست که حضرت مسیح مردان مسلمان خداویه، و آن این نمای مکررند و عابشه در باران آن حضرت خواهیده بود بر پهلو و خوابید بود و چون حضرت می‌خواهند که سجده کنند، پای او را می‌فرستند تا یا را بردارد و حضرت سجده کند" (هم، ۱۳۱، ج. ۱، ص ۲۶۱).

مجلسی، جمل حديث را بر تفاسیر اظهار میدانند. جن اهل سنت، اجازه نمای مرجعی و جمع می‌در مطالب زن داده‌اند و این شیوه، احتمال تفاسیر را تقویت می‌کند. وی آورده است که ظاهر این حديث، جواز اقامة نمای در مطالب زن است و در صورتی که یک وجب فعاله باشد، یا حلال یاده در از سه طرف دیگر باشد، می‌توان آن را
بر صحبت حمل کرد، چنانکه در اخبار صحیحه گذشته، و ابزه حمل بر تقبه
ظهاهرت است... (همانجا)

۲۵۴- خوشی کردن اموات مانند زندگان

استفاده از خوشیوکندها برای زندگان، امری یپسندیده و مطلوب، اما برای
اموات، مذموم دانسته شده است. حضورت سید المرسلین صلی الله علیه و آلہ نهی
فرمودند از آنگه مجهره از پشت جاتزه بیرند. ... از حضورت امام محمد باقر علیه
شده است که آتش نزدیک مردگان خود مبیدی یعنى دخنه به عود و مثال آن مکینده»

(همانجا)

ولی در حديثی منسوب به امام صادق علیه السلام کن میت باعث مجاز
شده است: "باکی نیست یادود کردن به عود کن میت را و سراور آن است که هر
کس که قدرت داشته باشد، جامعهای خود را خوشیو سازد به دخنه" (همانجا، ج.۲
ص ۲۵۴)

دقت در فراز پایانی عبارت امام علیه السلام: "هر کس که قدرت داشته باشد ..." مشخص
می گردد که امام علیه السلام در حديثی ایجاد کرده است و یا به عبارتی دیگر، شیعان که اجاعه خوشیو ساختن
مرده را منحصر در کافور می دانند، این عبارت را به زندگان بازگردانند و اهل
سنت که مرده و زنده را یکپارچه پندارند، به اموات بازگردانند. پس در قسمت آخر
حیاتی، قرنطینه تقبل ظاهر است، زیرا حال زنده و مرده را مانند سنین با هم برای
دانسته است. (همانجا)

۲۵۵- توافق با دیدگاه‌های عموم مردم

امامان در دوران امامت خوشی، در پی اصلاح امور و امر به معروف و ارشاد
مردم بوهماند و هر گاه مردم فرحانه‌یابان را نمی‌پذیرفتند، با روند کلی عموم مردم
مختلف استبدامی کردند. بنابراین، لازم است هر حديثی پژوه و قطعی، در مواجهه
با احادیث، از مسائل اجتماعی و علاوه فرهنگی و دینی مردم عصر معصوم آگاه
باشد تا یکسان حکم و حقيقة مراد از را دریابد.
بررسی احتمال تقه‌ی از دیدگاه مجلسی اول

نماز تراویح و عزوم امام علی(ع) برای مقابله با آن از یک سوو و مقاپله سردم از سویی دیگر، یکی از این مصادق است: «حضرت، امام حسن(ع) را فرستاد که بدعت است، ترک کنید. همگی فریاد برآورندند که وا عمره، حضرت فرمودند که هر چه خواهند، بکنند؟» (هیمان، ج. ۲، ص۳۷۷)

در ادامه حضرت علی(ع) دلیل وانهادن مردم را بیان می‌کند: «اگر من بدعتمالی که گذشت، از راه رفتن من، هر یک از همه‌ای از من متفرق خواهدند شد مگر قلیلی که برای شناختن و پیشینه هر کتاب خدا داشته‌ایم (هیمان، ج. ۲، ص۳۷۸)

علایم مجلسی، تقلید علی(ع) را در انجام اموری مثل نماز تراویح می‌داند و می‌نویسد: «بسیار حسمن است بر تقدیر و قووع که حضرت تقصی فرموده باشند، جنون پیش، آن کسان این بدعت را گذاشته بودند و حضرت از انتکار اصحابش، خانف بوده بیابد؟» (هیمان، ج.۱)

امام صادق(ع) نیز در خصوص امکان تقه‌ی در سخنانی که به قول مردم شیعه دارد، خطاب به زرارة می‌فرماید: «انچه از من شنیدی و به دیدگاه مردم شیعه داشت، دارای تلقی است و آنچه شیاهت نداشت، چنین نست.» (هیمن، ج.۱۴۱۰، ص۹)

شرایط تقه‌ی

 تعیین شرایط و پذیرش تقه‌ی از نکات مهم و قابل اعتنایی مجلسی در این راستا، پیرو اجرا تلقی دو شرط شرایط اضطراری و طبقه‌بندی متخلفان سخن‌های مطرح کرده و تشکیل مجدد در اینهمه به تلقی پیای آنها قابل است. نباید این مورد مذهب به شرح زیر توضیح می‌شود:

۱. شرایط اضطراری

وضعیت غیر عادی و برخلاف سیر طبیعی امور، موجب پیش آمدن شرایط اضطراری می‌شود.

مجلسی با ذکر احتمال مانند انتخاب، سبب مؤمن و حزب و حافظ، این است و در هر چه مضرتوگر، در آن تلقی هست و بخاطر است، (هیمان، ج.۱) اهمیت و شرایط تقه‌ی
12) دو فصلانه حدیثی‌هایی سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان 1388

را بیان می‌کند و اضطرار و تغیه را مالام یک‌دیگر می‌داند. وی در آثار خود، نمونه‌های زیادی از سنت موصولیت را به عنوان مصاحبه اضطرار آورد که به برخی از آنها در ادامه اشاره می‌نمایم.

1- روزه‌های ابتدا

برای بیان اختیار، روزه بشنو، و روزه می‌دانند و این موضوع موجب شده بود که حاکمان عباسی، مرجع و شیعیان را مراقبت نمایند تا بپردازند اهل بیت‌ع

از باورماندن سایر مذاهب، مبنا و زیر نظر باشد.

امام صادق (ع) در مقابل با نقش حاکمانی چون منصور دولتی، به افزوده این روزه دستور داده، حتی خود همراه به گذا خورد، فرموده است: «می‌خورم با آنکه می‌دانم که به حسب واقع، از ماه است» (همان، 1376، ج 9، ص 451) ایشان در امام، به موضوع تغیه در سوخت آن عمران اشاره دارند که در سبب حدا و رسوس، رخخت تغیه داده که که آن تقریباً مثلداره (همان) باشد. اما افزون روزه که در شرایط تغیه ممکن نباشد.

2- سجده بر گلیم و قالی

موضوع سجده، مثی از المهره‌های است که اهل سنت و حاکمان آنها نسبت به آن حساسیت داشتندند، به نحوی که از دیدگاه آنان، یکی از معارفه‌ها تشخیص شیعه از دیگران تلقی شده است، اما امامان بر گلیم شیعه، با دقت کامل این توطئه را بی‌اثر کردندند.

امام کاظم (ع) با عناصر این موضوع، به علی بن بیویان ذکر این‌ها تغیه، نمودائی بیان و صدای سلسله سجده بر لباس و قیر در کنشی را نیز با ذکر احیت، مورد بحث قرار داده، استدلال خود را به این تلقی اهل سنت مستند می‌نماید که ایشان علامت تشیع را چیزی می‌دانستند که بر آن سجده می‌شود.

است، لذا احیات این موضوع، فرموده‌اند که بر اینها سجده بکندن که مبادا ضروری به ایشان رسیده (همان، ج 3، ص 461).
۲۳- اوقات نماز
از جمله راههای تشخیص مذاهب قبیه از یکدیگر، جگرگنگی تعیین اوقات شرعی نماز است. امّا با علم به اختلاف مذاهب در این موضوع، از سر دلسوزی برای شیعه، اوقات نماز را به اجمال بیان می‌کرده و حتی به قول مجلسی، از باب شفقت بر شیعیان مختلف به فراموشی که اظهار نظرات مختلفی صورت گرفته تا مبادا به ایشان ضروری رسد (همان، ص ۱۴۲)

۲۴- نماز جمعه
آیه‌ی «بِیا آبِیم الدین مَأْمَوَّاتُ اذَا نُؤْفِی الْصَّلَاةَ مِنْ يَوْمِ الْجُمَعَةِ فَاسْتَعِنُّوا إِلَى ذَکْرِ اللَّهِ وَدُروَاً المَّعْلُومَاتَ خَِىْرُ لَكُمْ إن كُنتُمْ تُعْلَمُونَ» (جمعه: ۹) مؤمنانِ را به برپایی نماز جمعه موظف نموده است. اقامتِ این فرض عیسی از صدر اسلام تا کنون، همیاره مورد عنايت بوده و حاکمان جامعه اسلامی که خود را خلفیه رسول خدایان می‌شمردهند، حضور مردم را نماد پیشبانی و بیعت با خود و حتی نشانه حقایق حاکم جامعه اسلامی می‌دانستند.

بنابراین در دوران امویان و به ویژه عباسیان، حاکمان توجه داشته‌اند که کسانی در نماز جمعه حضور دارند و چچ کسانی غایباند.
اما علاوه بر یادآوری اهمیت نماز جمعه، برای حفظ و حراست پیروان خویش، آنان را به حضور در نماز جمعه حتی با امت حاکمان غیر عادل نیز دعوت می‌کرده و خود نیز حاضر می‌شیند.

منقول است از حضرت مولوی که گفت: "عرض نمودم به خدمت حضرت امام محمد باقر صلوات الله عليه که شما در روز جمعه، چه می‌کنید؟ حضرت فرموذند که توهجمه می‌کنی؟ من عرض نمودم که نماز را در خانه خود می‌کنم و بعد از آن می‌روم و یا ایشان نماز می‌کنم از روی تقبه حضرت فرموذند که من نیز چنان می‌کنم،" (همان، ج ۴، ص ۵۱۳)

البته حد و مرز اضطرار تقبه آن است که مستلزم قتل به ناحق نباشد زیرا هرگاه پای کشته شدن مؤمن به میان آید، تقدیم در کار نیست" (هموی ۱۴، ج ۶، ص ۹).
طبقه‌بندی مخاطب سخن
دوام‌نامه شرط قبیه طبقه‌بندی وضعیت مخاطبان سخن است. لذا نویسندگان مبینه و سخنوران بی‌اغراقی، همواره هنگام ابراد مطالب، نکاتی چون سطح اندیشه، شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی مخاطبان را رعایت می‌کنند.

پاسخ انسیع: را به مخاطبان خوشی در دست‌نوازی سیگنات زیر آراهه می‌نماید.

2- مباحث و مناظرات
دوران حضور امام امام رضاع در طوس، دوره‌ای است که حاکمیت عباسی به‌اهمیت گوناگونی به راکنازی مجلس بحث و گفته‌گوی مسلمانان با دیگر مذاهب اقدام می‌نمود. بناگاه سیاست، از جلسات ابتدایی به دنبال ابتدای حفاظت اسلام، در پی باین حفاظت می‌تواند به نحوی که حاکم مستمسکی علیه مکتب تشیع نداشته باشد. در نتیجه، امام علیه جلسات درون‌دیپی که لازم است حفظ جان شیعیان مد نظر باشد، به نحوی که اهمیت مطالب مشترک خوشی بردش‌ت نمایند و شیعه مناسب با مکتب خود، سخن را دربخویان می‌فرموده، موضوع به‌یکی از مصداق‌های تحقق انسیع‌است.

- درد حسم و استعمال داور هنگام روزه
بر اساس برخی از احادیث، استعمال داور در چشم توسط روزه‌دار بدون اشکال مانند حنیفی که از امام صادق ع. تخلیه شده است، «تا کلام مصافح است. همه امام عالی صورت در حضرت امام علیه السلام همکاری صلحان شیعیان از سویه روزه‌دار. فرمودن که باکی نیست، زیرا که طعیم نیست که آن را بخورند» (همو، ۱۳۷۶، ج. ۱۵، ص. ۲۷۱)

یا توجه به مقدمه مذکور در خردادان از رضاع، نیز سؤال می‌شود آیا می‌توان در ماه رمضان، در چشم کسی که در دارد دارو ریخت؟ امام ع. می‌فرموده: «هرگاه افزار کند. دارو را بخشد».

مجلسی در توضیح این حديث می‌نویسد: «همیشه مجلس آن حضرت صلوت الله علیه پر خورد از علماء اهل سنن. حضرت به عناوینی جواب می‌فرموده که سبب موافق مذهب خود و شیعیان موافق مذهب انسیع‌هستی.»
بررسی احادیث تقبیه از دیدگاه مجلسی اول

صوات الله علیهم، به‌همان‌ود محتوم است که مراد این بیان که در شبه‌دارو بر چشم کند استحبابه (همانجا)

۲- جلسات خصوصی

امامان (ع) در موقعیتی بودند که فقط یاران خاص ایشان حضور داشتند، حقيقة کامل سخن را مطرح می‌ساختند و احتمال تقبیه در جنین موضوعی برطرف می‌شد. در آن بیان ایشان صدیق امام (ع) را شناخت و موضوع بیان احادیث را کشف نمود. می‌توان حکم‌کرد که یک حديث به علت آنکه مخاطب از یاران امام (ع) است، فاقد شانه تقبیه است و به آن عمل می‌شود.

- پرسش اختصاصی علی بن جعفر از زکات عبد مکابی

یکی از یاران خاص امام موسی بن جعفر (ع)، برادر گرامی ایشان، علی بن جعفر (ع)، است. ولی نزد امام هفتم (ع) و اندرون خانه ایشان حضور داشت و به همین دلیل، احادیث منتقل از وی بدون تقبیه است. نمونه‌ای از آن‌ها چنین است:

علی بن جعفر (ع) از امام هفتم (ع) سوال می‌کند: «درباره عبد مکابی، آیا زکات قطره‌های رمضان بر عهده کسی است که با او نماید بسته و آیا شهادتش جایز است؟ امام (ع) در پاسخی می‌فرماید: قطره بر عهده مکابی است.» (حمان، ج، ۶، ص۲۶۷) در ادامه، مجلسی به نقل از صدوق می‌نویسد: آیین پاسخ بر سیستم استفهام اکثریت بوده است و مراد امام (ع) این بود که جنگنده قطره باشد و شهادتش مسموع نباشد!

اما مجلسی در سخن صدوق خدش وارد کرد و جامع به آن اشاره از تقبیه می‌داند. زیرا تحقیق این اصل که تقبیه در احادیث علی بن جعفر (ع) کم است جوان همیشه در خدمت حضرت بود و اندرون خانه راه داشت. ممکن بود او را که هر سوالی داشته باشد، در خلوت سوال کند و از جهت این است که احادیث از تقبیه سالم است.» (حمان، ج، ۶، ص۲۶۸)

۲- نامه‌ها

اسلام همواره و در همه زمانها به نوشته‌ها، حسابت و توجه بی‌پیشتری داشته است، زیرا یک سند نظمی تلقی می‌شود و نویسنده تلاش دارد به نوعی بی‌بیان کرده
از هر گونه حساسیت و مشکل آفرینی پیشگیری نماید. این موضوع زمانی حساسیت
می‌شود که نوسنده تحت مراقبت حاکمان سیاسی باشد و هیچ حکم‌ت او از چشم
ایشان به دور نباشد.

نابینایین، از دوران امام هشتم (ع) به عهد که حاکمان عباسی به دنبال اعمال مراقبت
شدیدتر برتامام شیعه بودند و تلاش می‌کردند تا به هر بهانه‌ای ایشان را نوزد
خویش تحت ظرف داشته باشند. نامنه‌گزاری‌ها و نامه‌رسانی‌ها با سخت‌گیری‌ها و
حساسیت‌های بیشتری روبرو بود.

برای توضیح مسئله حساس نامه‌ها و پاسخ‌گویی به آن‌ها، سوال حسین بن سعيد
از امام هشتم (ع) را مطرح می‌کنیم. حسین بن سعيد سوال می‌کند هنگام برداشت
تابوت می‌آمداز کدام سو بردارند؟ امام (ع) در جواب مرفوع می‌فرماید: «از هر
طرف که بی‌خوابند.»

مجلسی در شرح این حدیث، معقد است اخبار مربوط به سنور جمع
می‌شود که واجب نبوده، و حمل بر تقهه یا اتنا اظهر است، به خصوص در نامه‌های
امام رضا (ع) تا آخرین امام (عج) و به همین دلیل، امامان برای جلوگیری از شناسي‌ای
شیعیان و آسیب رسیدن به ایشان، نامه‌های خود را با تقهه یا اتنا نوشته‌اند. (همان،
ج۲، ص۳۱۷)
5. جایگاه تقیه با میزان درک و فهم متفاوت مردم، مرتبط است.

6. شناخت نشانه‌های سندرمی و متنی از قابل حضور را را در عالی و امر به سکوت یا ابهام در حديث، برای تشخیص احادیث تقیه اهمیت دارد.

7. احتمال استفهام انکاری در متن حديث، حاکی از وجود تقیه در حديث است.

8. مجلسی، اضطرار را یکی از عوامل رخ دادن تکیه می‌داند. مصادری که حضور امام باقر(ع) در نماز جمعه، حاکی از تقیه است.

9. حضور مخاطبان متعدد با دیدگاه‌های فکری و مذهبی مختلف در مجالس امامان(ع)، از موجهات بروز تقیه آنان بوده است.
منابع

1. تمران کرمی.
2. ابن منصور، محمد بن مكرمشیرزاده، (شمردوم); چ 1، بیروت: دار صادر، 1414.
3. خطیب، عبداللهکرمی؛ تفسیر القرآن (قلی)، (چ 1، برنامه نور)، دبیر، مهیا؛ ابنت، (بعد از نمره جامع تفسیر نور)، چ 1، تهران: دار الكتاب الإسلامی، 1388.
4. شهید اول، محمد بن مکی غلامی؛ القاعیدتربیت؛ تصویری سید عبدالله‌نامه حکیم؛ الطبعة الأولى، قم: مكتبة العفیدت، (چ 1، تهران: دار الكتاب الإسلامی، 1388.
5. صدوق، ابن جعفر محمد بن علي (ابن بابویه)؛ من لا یحضرن الفقه؛ چ 1، تهران: دار الكتاب الإسلامی.
6. طباطبایی، سید محمدحسین؛ تفسیر المیزان؛ جزء سید محمدرضا موسوی همدانی، چ 1، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، 1374.
7. طبری، ابن جعفر محمد بن جریر؛ جامع البیانی (یک جزء از تفسیر القرآن)، چ 1، بیروت: دار المعرفة، (چ 1، تهران: دار الكتاب الإسلامی، 1381.
8. عباسی، محمد بن ممسدا؛ کتاب تفسیر; تصویری/تحقیق سید هاشم رسولی مهلیانی، تهران: چاپخانه علی، 1380.
9. عباسی، محمد بن ممسدا؛ کتاب تفسیر؛ تصویری/تحقیق سید هاشم رسولی مهلیانی، تهران: چاپخانه علی، 1380.
10. عباسی، محمد بن ممسدا؛ کتاب تفسیر؛ تصویری/تحقیق سید هاشم رسولی مهلیانی، تهران: چاپخانه علی، 1380.
11. فریدزاده، خلیل بن أحمد؛ المبرک، چ 1، قم: انتشارات هجرت، 1410.
12. قمی، علی بن ابراهیم؛ تفسیر قمی؛ چ 1، تحقیق میثم طیب موسوی جوزبی، قم: دار الكتب، 1373.
13. محققی، محمدعلی؛ روشنایه المطیعین در شرح من لا یحضرن الفقه؛ چ 1، قم: الکتب، 1410.
14. محمد، نادری؛ تفسیر الفقهی الشیخ شریفه؛ چ 1، قم: مؤسسه دار التفسیر، 1376.
15. مکارم شیرازی، ناصر؛ نماز ؛ تهران: جامعه بر نهج‌البلاغه، چ 1، تهران: دار الكتاب الإسلامی.